

## سهم بازنشستگان از سود سازمان تامین اجتماعی

خسرو غلامی

چهارشنبه بیست دوم آبان ۱۳۸۷

سالها پیش در محله ی ما، چند کوچه بالاتر، خانواده ای زندگی می کردند که نان آورشان عمو عباس بود. او بعد از زلزله مهیب روستای " فارسینج " در اواخر دهه سی ، دست زن وبچه هایش را گرفته و به شهر آمده بود. عمو عباس بعد از چند سال کارهای متفرقه، بالاخره در کارخانه آرد، کار پیدا کرده بود. بدنبال چندین سال کار سخت و مداوم، عمو عباس به سن بازنشستگی رسید. در واقع او بدلیل دچار شدن به ناراحتی های مختلف، از جمله درد کمر، دیگر توان کار نداشت .

هنوز یک سال از بازنشستگی عمو عباس نگذشته بود که بیماری او تشدید شد. پزشکان تنها راه علاج را عمل جراحی دیسک کمر تشخیص دادند و در بیمارستان زیر تیغ جراحی قرار گرفت. اما عمو عباس که می خواست ایام باز نشستگی در کنار زن وبچه هایش با آرامش زندگی کند، متاسفانه یک هفته بعد از ترخیص از بیمارستان ، در گذشت. او کارگر شریف وزحمتکشی بود که با اتکا به نیروی کارش و همراهی همسر فداکارش " عمه رنگینه " ، که پا به پای دردها و رنج های عمو عباس گام برمیداشت، امرارمعاش می کرد. آنها چیزی جز داشتن یک زندگی انسانی وسالم برای خود وفرزندان شان نمی خواستند....

زندگی عمو عباس و هزاران بازنشسته دیگر، این سؤال را به ذهن می آورد که آنها بعد از سی سال کار مداوم و طاقت فرسا، با چه مشقاتی روبرو می شوند و در چه موقعیتی قرار می گیرند ؟ کارگرانی که سالها بابت حق بیمه بازنشستگی، از حقوق شان کسر می شود، از چه مزایایی برخوردارند و سهم آنها چیست ؟ روزنامه همشهری به تاریخ نهم آبان در حاشیه ی یکی از صفحاتش مطلب کوتاهی با عنوان " سهم باز نشستگان از سود شستا " به چاپ رسانده بود. متن کامل آن به شرح زیر است:

"وقتی خبرسود ۸۶۰میلیارد تومانی شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی منتشرشد، گروهی از بازنشستگان و بیمه شدگان، این پرسش را مطرح کردند که هیچ سهمی از این سود به بیمه شدگان ومستمری بگیران نمیرسد؟ براساس خبری که خبرگزاری فارس چندی پیش منتشر کرد، ارزش روز دارایی های شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی (شستا) بیش از ۶ هزارو ۹۰۰ میلیارد تومان و سود خالص سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ پس از کسر مالیات از مرز ۸۶۰ میلیارد تومان گذشته است. شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا)با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۶۵ تاسیس شده و سرمایه ثبت شده آن پس از چند مرحله افزایش، در پایان سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ معادل ۳ هزارمیلیارد تومان شده است.

در طول فعالیت شستا از سال ۱۳۶۵ تا پایان سال مالی منتهی به ۱۳۸۷/۳/۳۱ در مجموع نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان از منابع سرمایه این شرکت ( معادل ۱۷ درصد کل سرمایه فعلی ) به صورت منابع نقدی به شستا منتقل ونیز

مبلغ یک هزار میلیارد تومان در قالب اموال و سهام از سوی سازمان تامین اجتماعی به شستا منتقل شده و ما به التفاوت این دو به میزان ۱۳ هزار و ۹۲۸ میلیارد ریال (۴۶ درصد) از سرمایه شستا، از محل سود سهام سنوات متعدد تامین شده است. ضمن آنکه در همین دوره، شستا مبلغ ۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان نیز به صورت نقدی در چارچوب سود سهام به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کرده است.

شرکت سرمایه گذاری سازمان تامین اجتماعی اگر چه سود مطلوبی در طول سال های فعالیتش به دست آورده، اما بازنشستگان و بیمه شدگان این سازمان هرگز سهمی از این سود نداشته اند.

پیگیری این سؤال که سهم بیمه شدگان از این سود چقدر است؟ مدت هاست که از سوی گروهی از بیمه شدگان و بازنشستگان این سازمان ادامه دارد، هر چند که پاسخ قانع کننده ای به دست نیاورده اند. "

آمار منتشر شده گواه این است که سازمان تامین اجتماعی چه سود هنگفتی طی این سالها، عایدش شده است. بدون شک این حق طبیعی بیمه شدگان و بازنشستگان این سازمان است که برای بدست آوردن سهم خود از این سود و تا یافتن پاسخ واقعی، تلاش کنند. اما چرا آنها خود را در این سود سهیم میدانند و به دنبال گرفتن آن هستند؟ به این دلیل ساده که همان سرمایه اولیه تامین اجتماعی از دو صورت از حقوق آنها کسر شده است: یکی از حداقل دستمزدی که کارفرما برای امرار معاش روزانه به کارگران پرداخت میکند. به عبارت دیگر کارگر از حقوقی که بابت کار لازمی که برای تولید یک کالا دریافت میکند، درصدی را از سفره بچه هایش می گیرد و به بیمه می پردازد. دیگری سهمی از حق بیمه ای است که کارفرما به جای او پرداخت میکند، که در واقع آن پول هم، سرمایه خود کارگر است. مبلغ پرداختی از طرف کارفرما به بیمه، بخشی از نتیجه کاری است که کارگر بدون مزد انجام می دهد و سرمایه دار از قبل آن سود، یا به عبارت درست تر ارزش اضافه انباشت می کند.

دلیل دیگری که بیمه شدگان و بازنشستگان را وا می دارد که سهم خود از سود سازمان تامین اجتماعی را مطالبه کنند، نگاهی است که به زندگی خود دارند. واقعیت این است که میزان حقوق بازنشستگی یا همان مستمری، جوابگوی نیازهای اولیه زندگی آنها نیست. افزایش روزافزون تورم و بالا رفتن قیمت ها، از جمله ارزاق عمومی و مسکن و هزینه های دیگری مانند خرج تحصیل فرزندان، بازنشستگان را وادار می کند که به فکر پیدا کردن کار دیگری باشند. بنابراین آنها با توجه به توان جسمی به مشاغلی مانند نگهبانی مجتمع های مسکونی و یا انجام کارهایی در رابطه با کار قبلی خود وحتى دستفروشی، روی می آورند.

یکی دیگر از دلایلی که بیمه شدگان را به فکرااندیشیدن در باره سهم خود از سود تامین اجتماعی می اندازد، وضعیت نامناسب مراکز درمانی این سازمان است. بالا بودن هزینه های بهداشت و درمان در مراکز خصوصی، بیماران را ناگزیر می کند که برای مداوای خود به بیمارستان ها و درمانگاه های تحت پوشش این سازمان پناه ببرند، چرا که خدمات آنها رایگان است. این امر باعث ازدحام زیادی در مراکز درمانی می شود و امکانات آنها جوابگوی مراجعه کنندگان نیست. با افزایش یافتن چند میلیونی تعداد بیمه شدگان، امکانات درمانی به موازات آن رشد نکرده است. نوبت های طولانی جراحی، صف های بی شمار درمانگاه ها، نداشتن برخی از خدمات روز برای درمان و ناچار شدن بیماران به رفتن به مراکز خصوصی و امثال آن، مشکلاتی است که همواره مورد اعتراض بیمه شدگان بوده است.

علاوه بر موارد بالا، باید به نبودن امکانات لازم برای بازنشستگان سالمند اشاره کرد. نبود مراکز آموزشی و تفریحی

خاصی که بتواند نیازهای روحی سالمندان بازنشسته را تامین کند، آنها را خانه نشین و یا سرگردان در میان پارک ها کرده است.

بنابراین بیمه شدگان حق دارند بدنبال جواب روشنی برای سؤال خود باشند که سهم آنها از سود سازمان تامین اجتماعی چقدر است و چگونه باید به آنها پرداخت شود؟ بی تردید برای رسیدن به پاسخی درست و نتیجه بخش، تلاش گسترده و مستمر همه ی شاغلین و بازنشستگان بیمه شده را می طلبد. آنها باید خواستار پرداخت سهم خود از سود سازمان تامین اجتماعی از طریق مختلف، مانند افزایش حقوق بازنشستگان، زیاد کردن مراکز درمانی و بهداشتی و بالا بردن کیفیت خدمات آنها، ایجاد مکان هایی با فضای مناسب برای سالمندان و ... باشند.

خسرو غلامی - آبان ۸۷

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komitteyehamahangi.com>

[komite.hamahangi@gmail.com](mailto:komite.hamahangi@gmail.com)